فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۶۰-۴۱

نقشه راه مدیریت بهینه سیاست پولی در اقتصاد ایران

امیرحسین مزینی
استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)
mozayani@modares.ac.ir

سعید قربانی
کارشناس‌ارشد علوم اقتصادی
saeed.qorbani@modares.ac.ir

سیاست‌های پولی مجموعه اقداماتی هستند که بانک‌های مرکزی (سیاستگذاران پولی) با اهدافی چون کنترل تورم، ایجاد شرایط مناسب برای رساندن تولید و اشتغال به سطح بالقوه، حفظ ارزش پول ملی و ... به‌کار می‌برند. هر چند اهداف اعلام‌شده سیاست پولی در ایران با اهداف تعریف‌شده بانک‌های مرکزی دیگر تفاوت چندانی ندارد، اما اولویت‌های سیاستی آن مشخص نیست. در مطالعه حاضر به بررسی مدیریت بهینه سیاست پولی در اقتصاد ایران پرداخته شده است. پرداختن به این امر نیازمند اتخاذ رویکردی استراتژیک و برنامه‌ریزی بلندمدت و نیازمند در اختیار داشتن یک نقشه راه است. این بحث (طراحی یک نقشه راه) موضوع اصلی مقاله حاضر می‌باشد. به این منظور، تلاش می‌شود با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای با رویکردی تحلیلی-توصیفی از روش تحلیل شکاف استفاده شود، به این صورت که پس از شناسایی و تحلیل وضع موجود و طراحی وضع مطلوب با استفاده از ادبیات رایج به تحلیل شکاف پرداخته و با استخراج استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی (به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت) نقشه راه مدیریت سیاست پولی در اقتصاد ایران استخراج گردد. نتایج حکایت از آن دارند که مدیریت بهینه سیاست پولی مستلزم مجموعه‌ای منسجم از سیاست‌ها و راهکارهای عملیاتی (به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت) در بستر زمان است که در قالب نقشه راه پیشنهادی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

طبقه‌بندی JEL: B22, E5, E58.
واژه‌های کلیدی: سیاست پولی، بانک مرکزی، دولت، نقشه راه، تحلیل شکاف، اقتصاد ایران.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۳

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

۱. مقدمه

سیاست‌های پولی مجموعه اقداماتی هستند که بانک‌های مرکزی (مقام پولی) به‌منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی جامعه به‌کار می‌برند. سیاست‌های پولی بر عرضه پول و نرخ بهره اثر می‌گذارند و از این طریق بسیاری از اهداف اقتصادی مانند افزایش اشتغال، ثبات قیمت‌ها، تحریک رشد اقتصادی و ... را متأثر می‌سازند. البته دستیابی به تمام این اهداف به‌طور همزمان با توجه به تضادی که بین آنها وجود دارد به‌تنهایی از عهده سیاست پولی بر نمی‌آید، بلکه لازم است از سیاست‌های مالی و ارزی مناسب نیز استفاده شود. در واقع، برای تحقق بخشیدن به تعداد مشخصی از اهداف اقتصادی لازم است ترکیب مناسبی از سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و ... مورد استفاده قرار گیرد و بین این سیاست‌ها هماهنگی لازم وجود داشته باشد.

بحث اعمال سیاست پولی بهینه در ایران با توجه به اینکه عملکرد موجود در اقتصاد کشور حاکی از نوعی مشکل ساختاری و مزمن می‌باشد نیازمند اتخاذ رویکردی استراتژیک و برنامه‌ریزی بلندمدت و نیازمند در اختیار داشتن یک نقشه راه است که تمام دستگاه‌ها و نهادهای ملی سیاستگذاری خود را ملزم به اجرا و هماهنگی با آن بدانند.

بحث فوق موضوع اصلی مطالعه حاضر می‌باشد. در این راستا تلاش شد از رویکرد تحلیل شکاف استفاده شود، به این صورت که پس از شناسایی و تحلیل وضع موجود و طراحی وضع مطلوب با استفاده از ادبیات رایج به تحلیل شکاف پرداخته و با استخراج استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی (به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت) نقشه راه مدیریت سیاست پولی در اقتصاد ایران پیشنهاد شده است. متدولوژی تحقیق به این صورت است که ابتدا با استفاده از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای نسبت به شناسایی و استخراج وضع موجود و مطلوب اقدام گردیده و در ادامه با استفاده از نظر خبرگان ضمن نهایی‌سازی وضع موجود و مطلوب طراحی شده نسبت به استخراج استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی اقدام شده است.

مقاله حاضر به این صورت سازماندهی شده است که پس از مقدمه حاضر در بخش دوم به مروری بر ادبیات موضوع پرداخته می‌شود. در بخش سوم آسیب‌شناسی سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران در دستور کار قرار می‌گیرد. در بخش‌های ۶-۴ به‌ترتیب به استخراج وضع موجود، تبیین وضع مطلوب سیاست‌های پولی و تحلیل ماتریس SWOT پرداخته می‌شود. در بخش ۷ پس از اجرای روش تحلیل شکاف، استخراج

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت در دستور کار قرار می‌گیرد. بخش ۸ نیز به جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱. مروری اجمالی بر دیدگاه‌های موجود (مبانی نظری)

تاکنون مباحث مختلفی در زمینه نحوه اتخاذ و اعمال سیاست‌های پولی مطرح شده است و اقتصاددانان مختلف در این زمینه نظریات متفاوتی ارائه نمودند که عمدتاً در قالب ادبیات مربوط به قواعد پولی مطرح می‌گردد. هنوز در مورد معنای دقیق اصطلاح قاعده پولی توافق وجود ندارد، اما از دیدگاه جان تیلور که یکی از معروف‌ترین قواعد پولی را مطرح نموده است و قاعده وی مبنای بسیاری از مطالعات روز دنیا در این زمینه و نیز سیاستگذاری‌های بانک‌های مرکزی است قاعده پولی برنامه‌ای است که شرایطی را که تحت آن سیاستگذار پولی می‌بایست اهداف میانی سیاست پولی را تغییر دهد به روشنی مشخص می‌سازد.

در دو دهه اخیر استفاده از قواعد سیاست پولی برای ارزیابی و توصیف عملکرد سیاستی بانک‌های مرکزی در کشورهای پیشرفته اقتصادی به‌سرعت رشد و گسترش یافته و به‌طور مکرر توسط سیاستگذاران پولی مورد استفاده قرار گرفته است. در این چارچوب بحث قاعده در مقابل صلاحدید یا به‌عبارت دیگر سیاستگذاری پولی قاعده‌مند در مقابل سیاست‌های پولی صلاحدیدی گرچه اصلی‌ترین بحث در سیاستگذاری پولی نیست، اما یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مباحث محسوب می‌شود.

برای سال‌های متمادی قاعده فریدمن (۱۹۵۹) اصلی‌ترین قاعده پولی شناخته‌شده در ادبیات اقتصادی بود. این قاعده بر نااطمینانی موجود در اثربخشی سیاست پولی تکیه داشت. به‌طور خلاصه فریدمن معتقد بود در شرایطی که عدم اطمینانی نسبت به طول دوره اثرگذاری سیاست پولی وجود دارد مدیریت عرضه پول به‌صورت صلاحدیدی می‌تواند سبب تقویت نوسان‌های اقتصادی شود، بنابراین فریدمن قاعده رشد ثابت پولی را مطرح می‌نمود (چارلسون، ۱۹۸۸).

بحث قواعد به‌طور اساسی توسط کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) وارد فضای جدیدی شد. آنها نشان دادند که تعهد بانک مرکزی به یک قاعده از قبل معین می‌تواند آثار مفیدی داشته باشد که سیاست‌های صلاحدیدی از این فواید برخوردار نیستند. برخلاف بحث فریدمن که در یک مدل خاص بیان می‌شود (تئوری مقداری پول) مباحث کیدلند و پرسکات در قالب مدل‌های مختلف اقتصاد کلان قابلیت کاربرد دارد (ولکارت، ۲۰۰۷).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

لازم به ذکر است بحث فوق از قدیمی‌ترین موضوعات اقتصادی محسوب می‌شود، چراکه همزمان با حرکت جوامع به سمت پول کاغذی توجه به قواعد و اصول در انتشار پول بین متفکران و بانکداران به‌وجود آمد. به‌طور خاص، بحران‌های متعددی که در اقتصاد انگلستان پس از جنگ‌های ناپلئونی به‌وجود آمد و سبب هرج و مرج مالی شد اهمیت وجود قواعد را در هدایت سازوکارهای پولی مشخص نمود. در آن سال‌ها مباحث اساسی در خصوص ماهیت پول دلیل تورم دوران جنگ و نقش سیستم بانکی بین اقتصاددانان مطرح شد که در دو گروه عمده قابل تفکیک است. گروه نخست که مکتب پول نامیده می‌شود دلیل تورم را استفاده نامناسب از پول می‌داند که به‌طور خاص به‌وسیله مخارج زیاد دولتی ایجاد شده بود. گروه دوم که به مکتب بانکی معروف است تفسیر پیچیده‌تری در مورد علل بی‌ثباتی پولی و خلق نقدینگی داشت. هر دو مکتب با ارائه دلایل خود اعلام نمودند بانک انگلیس می‌بایست به برخی قواعد از پیش تعیین‌شده پایبند باشد (خرسندی و اسلام‌لوییان، ۱۳۹۱).

پیروان مکتب پول بر قواعد تصویب‌شده قانونی و سخت‌گیرانه برای مدیریت عرضه پول تأکید داشته و از گسترش ابزارهای مالی جدید حمایت می‌کردند. در مقابل، پیروان مکتب بانکی یک قاعده آسان‌تر و قابل انعطاف‌تر را برای انتشار پول توسط بانک‌های منتشرکننده دنبال می‌کردند. این قاعده با عنوان دکترین صورتحساب واقعی مطرح شد. در دکترین صورتحساب واقعی نقدینگی جدید تنها زمانی ایجاد می‌شود که در مقابل آن صورتحساب‌هایی مربوط به تأمین مالی کالاهای واقعی ارائه گردد. در این مکتب اگر بانک‌ها اسناد و دیون خود را بر اساس پاسخگویی به نیازهای تجاری مدیریت کنند و انتشار بیش از حد نداشته باشند، آنگاه به‌طور اتوماتیک مقدار بهینه پول حاصل می‌شود (آسو و همکاران، ۲۰۰۷).

مباحث فوق کم و بیش در ادبیات اقتصادی در جریان است و محققین هر یک با رویکردی خاص کارایی و نحوه مدیریت سیاست‌های پولی را مورد بررسی قرار می‌دهند. به‌ویژه آنکه در این راستا ویژگی‌های کشورها به‌عنوان فضای تحقق سیاست‌های پولی نیز مدنظر قرار می‌گیرد.

۲-۲. مروری بر مطالعات انجام شده

در این بخش به بررسی مطالعات صورت‌گرفته در زمینه سیاست پولی در ۲ قسمت مطالعات داخلی (جدول ۱) و خارجی (جدول ۲) خواهیم پرداخت.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

جدول ۱. مروری بر مطالعات داخلی انجام شده در زمینه سیاست پولی

نویسندگان	انتشار	نتایج
مصلحی	۱۳۸۵	سیاست‌های پولی و مالی هیچ‌یک قادر نیستند تأثیر قابل‌توجهی بر تغییرات تولید داشته باشند. بهتر است که در ارتباط با اهداف ضدتورمی از این سیاست‌ها بهره گرفته شود.
مزینی	۱۳۸۵	شوک‌های پولی به‌خوبی نرخ ارز اسمی را متأثر می‌سازند، به گونه‌ای که عکس‌العمل نرخ ارز در مقابل یک انبساط پولی غیرمنتظره به‌صورت جهش بازگشت‌کننده نرخ ارز ظاهر می‌شود و در بلندمدت انبساط پولی باعث کسری اولیه و مازاد تجاری می‌شود.
درگاهی و شربت‌اوغلی	۱۳۸۹	تورم در اقتصاد ایران پایدار است، بنابراین در اجرای سیاست پولی می‌بایست آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت آن در نظر گرفته شود، بنابراین توازن میان منافع و هزینه‌های دستیابی به تورم مورد هدف با درنظرگرفتن ثبات تولید وظیفه خطیر سرمایه‌گذار پولی است.
شریفی‌رنانی و همکاران	۱۳۹۰	افزایش حجم پول به‌دلیل افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی تنها در کوتاه‌مدت سطح تولید را افزایش می‌دهد و حتی در بلندمدت اثر منفی بر آن دارد، اما سطح عمومی قیمت‌ها را هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت افزایش می‌دهد، بنابراین استفاده از این ابزار سیاستی برای متأثر ساختن تولید مناسب نیست، اما می‌توان از آن به‌منظور سیاست‌های ضدتورمی کمک گرفت.
خرسندی و اسلام‌لوییان	۱۳۹۱	ایشان با بررسی عقاید اقتصاددانان مختلف بحث قاعده در مقابل صلاحدید را برای سیاست پولی به‌صورت نظری مورد بررسی قرار دادند. با توجه به نتایج حاصل و شرایط اقتصاد ایران توصیه‌هایی مطرح شد تا راهبرد قاعده همراه با صلاحدید برای هدایت سیاست پولی در ایران انتخاب شود.
فرزین‌وش و همکاران	۱۳۹۱	اثربخشی سیاست‌های پول بر تولید ناخالص داخلی در وضعیت‌های بالا و پایین رشد درآمد حاصل از نفت متفاوت بوده است. طی دوره مورد مطالعه با اعمال سیاست پولی انبساطی تولید در وضعیت پایین رشد درآمد حاصل از نفت بیش از وضعیت بالای رشد درآمد حاصل از نفت افزایش یافته است.
شاهمرادی و صارم	۱۳۹۲	قاعده بهینه سیاست پولی برای اقتصاد ایران تابعی از شکاف تورم، شکاف تولید و نرخ رشد درآمدهای نفتی می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ رشد حجم پول اثری بر شکاف تولید نداشته و به‌طور کامل در انتظارات تورمی انعکاس می‌یابد.
فرازمند و همکاران	۱۳۹۲	با استفاده از قواعد بهینه پولی و مالی می‌توان وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی مورد هدف شامل تورم، رشد اقتصادی و توزیع درآمد را حتی در زمان اجرای طرح اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بهبود بخشید.

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

جدول ۲. مروری بر مطالعات خارجی انجام شده در زمینه سیاست پولی

نویسندگان	انتشار	نتایج
نارادیو و راپوتسوان	۲۰۱۱	پاسخ سیاستگذار پولی به تورم متقارن است، همچنین سیاست هدفگذاری تورم در آفریقای جنوبی به‌خوبی می‌تواند نوسان‌های تورم در این کشور را کنترل نماید.
یانگ	۲۰۱۲	سیاست‌های پولی به رشد تولید واقعی (انحراف آن از مقدار تعادلی) واکنش نشان می‌دهد. اعمال سیاست هدفگذاری تورم حتی در صورتی که اعلام عمومی نشود می‌تواند موجب کاهش انحراف تورم گردد.
چویک و همکاران	۲۰۱۴	در این مقاله به بررسی تعامل بین سیاست پولی و مالی برای برخی کشورهای اروپایی طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۹۵) با استفاده از تکنیک تغییر رژیم مارکوف پرداخته شده است. نتایج تجربی نشان‌دهنده این است که نقش سیاست پولی در این کشورها پررنگ‌تر است. در این رابطه مشاهده‌شده در این کشورها از سال ۲۰۰۰ به بعد سیاست پولی نقش بسزایی در مدیریت کلان کشور و متغیرهای کلان اقتصادی داشته و این کشورها از سیاست مالی تنها در راستای اهداف سیاست پولی استفاده نمودند.
تورنتن	۲۰۱۴	پول نقش اساسی در سیاست پولی دارد، به گونه‌ای که با استفاده از سیاست بهینه در راستای کنترل حجم پول می‌توان متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ بهره و نرخ تورم را کنترل نمود، بنابراین با لنگر اسمی قرار دادن متغیر حجم پول می‌توان نرخ بهره اسمی را کنترل نمود، همچنین در صورتی که بانک مرکزی نرخ بهره را به‌عنوان هدف بلندمدت خود قرار دهد در کنترل متغیرهای تورم و نقدینگی به مشکل خواهد خورد.
پلنت	۲۰۱۴	سیاست بهینه پولی زمانی رخ می‌دهد که بانک مرکزی سیاست هدفگذاری تورم را در حالت انعطاف دستمزدها مدنظر قرار دهد. با اتخاذ این رویکرد از تأثیر نوسان‌های قیمت نفت بر شوک عرضه و تقاضای پول کاسته می‌شود.
کاروالیو و نچیو	۲۰۱۴	برخورد مردم (در آمریکا) نسبت به سیاست‌های پولی و تبعات آن از رابطه تیلور (۱۹۹۳) تبعیت می‌کند ضمن اینکه خانوارها در تشخیص رابطه (منفی) بین نرخ بیکاری و نرخ تورم دارای ضعف می‌باشند.

مأخذ: نتایج تحقیق.

۳. آسیب‌شناسی سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران

ارزیابی سیاست‌های پولی از ابعاد مختلفی قابل انجام می‌باشد. در این بخش برای دستیابی به چارچوبی مشخص عملکرد سیاست‌های پولی از سه بعد مختلف مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد که عبارتند از قاعده‌مندی سیاستگذاری پولی، عملکرد کلی بسته‌های سیاستی-نظارتی (به‌عنوان نماد اجرایی سیاست‌های پولی) و نقش حاکمیت (دولت و سیاستگذار پولی) در عملکرد سیاست پولی به‌عنوان سازوکار تصمیم‌سازی و مدیریت بخش پولی کشور.

۳-۱. بررسی قاعده‌مندی سیاستگذاری پولی در اقتصاد ایران

سیاست‌های اعلام‌شده توسط بانک‌های مرکزی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد کنترل تورم، ایجاد شرایط مناسب برای رساندن تولید و اشتغال به سطح بالقوه و حفظ ارزش پول ملی در زمره آرمان‌های اصلی اکثریت قریب به اتفاق آنها است. هر چند اهداف اعلام‌شده سیاست پولی در ایران با اهداف تعریف‌شده بانک‌های مرکزی دیگر تفاوت چندانی ندارد، اما اولویت‌های سیاستی آن مشخص نیست. پرسشی که مطرح می‌شود این است که اصولاً چه درجه از انطباق میان اهداف در اسناد بالادستی (برنامه‌های پنج‌ساله توسعه) و عملکرد سیاستگذاری پولی طی چند دهه گذشته وجود داشته است؟ واکنش

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

سیاستگذار پولی نسبت به شوک‌های اقتصادی و انحراف روند متغیرهای اقتصاد کلان از مقادیر رهنمون شده در چارچوب برنامه‌ها چیست؟

با مقایسه عملکرد نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی به مقدار هدفگذاری آنها در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مشاهده می‌شود بجز سال‌های برنامه سوم (۱۳۸۰-۱۳۷۸) که نرخ تورم عملکرد کمتر از هدف بوده در سایر برنامه‌ها نرخ تورم عملکرد تفاوت بسیاری با نرخ هدفگذاری شده داشته است. در مورد رشد اقتصادی نیز تنها در ۶ سال از ۲۱ سال برنامه‌های اول تا چهارم نرخ رشد تولید عملکرد بیشتر از هدف بوده و در سال‌های دیگر نرخ رشد هدفگذاری‌شده بیشتر از عملکرد بوده است. بدیهی است با توجه به اینکه لنگر اعلام‌شده اسمی سیاست پولی در ایران نرخ رشد نقدینگی بوده انطباق نرخ رشد نقدینگی با مقادیر هدفگذاری‌شده می تواند معیاری از توانایی و اعتبار سیاستگذار پولی در اجرای سیاست‌های اعلام‌شده به‌حساب آید. در این رابطه مشاهده می گردد عملکرد رشد نقدینگی تفاوت‌های قابل توجهی در مقایسه با مقادیر هدفگذاری‌شده در برنامه‌ها دارد و تنها در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۷ از مقدار هدفگذاری‌شده پایین‌تر بوده است. با توجه به استمرار نرخ‌های رشد بالاتر از اهداف اعلام‌شده در طول سال‌های برنامه‌های توسعه می توان چنین استنباط نمود که عملکرد بانک مرکزی تورش انبساطی داشته و از این جهت به تضعیف اعتبار سیاست پولی منجر شده است (همتی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، یکی از برنامه‌های کاهش تورم در اقتصاد ایران تعیین چشم‌انداز مشخص برای دستیابی به رقم مطلوب تورم در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه‌ای بوده است. این هدفگذاری از برنامه دوم توسعه (اجراشده در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۴) آغاز شد. در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) ادامه یافت و در برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تکرار شد، اما عملکرد دولت‌های مختلف نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از این برنامه‌های توسعه‌ای هدفگذاری صورت گرفته برای نرخ تورم محقق نشده است. چراکه افزایش پیوسته حجم پول طی چند دهه اخیر به یکی از ویژگی‌های ذاتی اقتصاد ایران تبدیل شده است. مهم‌ترین دلیل این امر عدم استقلال بخش پولی کشور به‌ویژه بانک مرکزی است که طی این مدت عمدتاً در خدمت دولت و تأمین نیازهای مالی آن بوده است، بنابراین می توان ادعا نمود که طی سه دهه اخیر در اقتصاد ایران سیاست پولی خاصی قابل مشاهده نبوده و بانک مرکزی صرفاً نوعی عملکرد مالی (نه الزاماً پولی) از خود برجای گذاشته است. این شرایط (عملکرد نامناسب پولی) به‌خوبی خود را در قالب افزایش شدید نقدینگی و تورم تحمیل‌شده به اقتصاد کشور نشان می‌دهد.

۳-۲. عملکرد کلی بسته‌های سیاستی- نظارتی

در بررسی بسته سیاستی- نظارتی بانک مرکزی می توان اینگونه بیان نمود که برخی جنبه‌های نظارتی کمتر مورد توجه قرار گرفته و در مقابل در برخی موارد به موضوعاتی پرداخته شده است که کمتر در بانک‌های مرکزی مرسوم است. این

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

بسته‌ها معمولاً به ۵ بخش سیاست‌های پولی، اعتباری، نظارتی، بانکداری الکترونیک و سایر تقسیم‌بندی شده‌اند. یکی از اشکالات این بسته استفاده از ابزارهای کنترل فیزیکی جهت اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری است (سیف، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، در بسته‌های سیاستی و نظارتی بانک مرکزی نرخ سود بانکی به‌وسیله بخشنامه تعیین می‌شود و در اغلب مواقع شرایط بازار و اقتصاد در نظر گرفته نمی‌شود. از سوی دیگر، در حالی که بانک‌های مرکزی در اغلب کشورهای دنیا تنها به خرید و فروش اوراق قرضه موجود در بازار اقدام می کنند بانک مرکزی ایران برای کنترل حجم پول خود به انتشار اوراق مشارکت مبادرت می‌نماید (سیف، ۱۳۹۰).

۳-۳. نقش حاکمیت (دولت و سیاستگذار پولی)

شاید بتوان در یک نگاه کلی ۲ ویژگی بارز اقتصاد ایران را اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی و اندازه بسیار زیاد دولت دانست. به‌عبارت دیگر، دولت بخش قابل توجهی از اهداف و برنامه‌های خود را صرفاً با توجه به درآمدهای نفتی انجام می‌دهد، در نتیجه نوسان‌های درآمد نفتی بر عملکرد و سیاست‌های دولت مؤثر است. ویژگی دیگر اینکه اصولاً حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد در مقایسه با بخش خصوصی بسیار قابل توجه است و عملاً نحوه عملکرد و فعالیت دولت خود رقم‌زننده بسیاری از فرایندهای اقتصادی است و بخش خصوصی پیرو فعالیت‌های دولت و وابسته به رویکردهای دولت است.

این وضعیت جدای از تبعات مختلف اقتصادی باعث شد که همه ساله تأمین مخارج دولت به یکی از مهم‌ترین چالش‌ها تبدیل گردد و تجربه نشان داده است تقریباً در تمام سال‌ها چه سال‌هایی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابند و چه سال‌هایی که درآمدهای نفتی در اوج می‌باشند تأمین مالی (کسری بودجه) دولت به افزایش نقدینگی منجر گردد. متعاقباً تورم ساختاری موجود در اقتصاد نیز در کنار سیاست غیرمنطقی ثبات نرخ ارز (طی سال‌های اخیر) باعث شد که قیمت نسبی کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله به‌نفع کالاهای قابل مبادله (واردات) و به زیان کالاهای غیرقابل مبادله (عمدتاً تولیدات داخلی) تغییر یابد. این وضعیت شرایط مطلوبی را برای واردات رقم زده است که واردات کالاهای قاچاق نیز از این مقوله مستثنی نبوده است، بنابراین شاید بتوان بخشی از علل پدیده قاچاق در کشور طی دهه اخیر را در رشد نقدینگی و به‌تبع آن رشد قیمت‌ها (در کنار ثبات نرخ ارز) جستجو نمود.

نتیجه آنکه مروری بر تحولات اقتصادی کشور حکایت از آن دارد که تقریباً تمام سیاست‌ها کم و بیش تابعی از درآمدهای نفتی کشور بوده‌اند. نکته جالب‌توجه اینکه تقریباً در تمام سال‌ها گسترش پایه پولی اجتناب‌ناپذیر بوده است، چراکه در زمان کاهش درآمدهای نفتی جهت تأمین کسری بودجه و در زمان قابل توجه بودن درآمدهای نفتی جهت پوشش دادن هزینه‌های ریالی دولت عرضه پول پیوسته افزایش یافته است، بنابراین سیاست‌های پولی (یا به تعبیری

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

رفتار پولی) به‌صورت معناداری تابعی از نیازهای مالی دولت بوده است و به‌دلیل حجم فعالیت‌های دولتی در اقتصاد ایران پیوسته حجم پول روندی افزایشی داشته است، بنابراین می‌توان این گونه اظهار داشت که عملاً سیاست پولی خاصی (مستقلاً) وجود نداشته است و بخش پولی کشور به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاستی دولت (به‌ویژه با توجه به ملاحظات بودجه‌ای) مورد استفاده قرار گرفته است. در این شرایط عدم استقلال بانک مرکزی و استفاده ابزاری دولت از این بانک در امور بودجه‌ای نتیجه دور از انتظاری نیست که کم و بیش شاهد آن هستیم.

از منظر استقلال بانک مرکزی اتخاذ پیگیرانه سیاست‌های پولی و دور نگهداشتن مجریان این سیاست‌ها از تغییرات مقطعی می‌تواند ثبات قیمتی بیشتری پدید آورد. به‌طور کلی، رابطه علت و معلولی دو جانبه‌ای میان تورم و استقلال بانک مرکزی وجود دارد، به این معنا که هرچه استقلال بانک مرکزی کمتر باشد تورم بالاتر است، اما اگر تورم بالا باشد استقلال بانک مرکزی حداقل پس از مدتی رنگ می‌بازد. به‌علاوه، در دوره‌های حاد تورمی کنترل دقیق عرضه پول توسط بانک مرکزی دشوارتر است و بالا بودن تورم تا حدودی بانک مرکزی را مقصر جلوه می‌دهد و تصویر آن را نزد عموم مخدوش می‌کند، از این رو از اقتدار آن در رابطه با دولت می‌کاهد. برخی مطالعات نشان می‌دهند رابطه علت و معلولی دو جانبه بین نرخ تورم و کاهش استقلال بانک مرکزی وجود دارد، به این ترتیب که دور باطلی از تورم شدید، کاهش اعتبار بانک مرکزی نزد عموم، کاهش استقلال بانک مرکزی، کاهش تأثیرگذاری سیاست‌های پولی و بار دیگر تورم شدید وجود دارد (مظاهری، ۱۳۹۱، آل‌اسحاق، ۱۳۹۱ و میرمطهری، ۱۳۹۱). دقت در این روند نشان می‌دهد که برون‌رفت از چنین دور باطلی صرفاً با استقلال بانک مرکزی به‌دست نمی‌آید. رهایی از این دور نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی است، البته در فرایند اصلاح ساختار اقتصادی یکی از راهکارها نیز اصلاح ساختار و جایگاه بانک مرکزی است، اما اصلاح ساختار و جایگاه بانک مرکزی مترادف با استقلال این بانک نیست. هرچند این دو امر وجوه مشترک فراوان دارند آنچه در مقطع کنونی بیش از هر چیز مورد نیاز است اصلاح ساختار اقتصاد و مقابله با عوامل ساختاری موجد تورم است. این عوامل، علاوه بر بخش پولی اقتصاد، در بخش واقعی اقتصاد نیز مشاهده می‌شوند و از تنگناهای تولیدی و اقتصاد وابسته به نفت سرچشمه می‌گیرند.

۴. استخراج وضع موجود (As Is) سیاست‌های پولی

با توجه به دامنه گسترده و تبعات متعدد سیاست‌های پولی در این بخش تلاش می‌شود با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و رویکرد اسنادی پس از بررسی سیاست پولی در اقتصاد ایران از دیدگاه آسیب‌شناسانه تصویری از وضع موجود سیاست پولی در اقتصاد ایران در قالب مبانی نظری تحلیل SWOT به شرح زیر استخراج گردد:

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

الف) ضعف‌ها (w)

- بلاتکلیفی بانک مرکزی در پیگیری اولویت (هدف) اصلی خود در سیاستگذاری (با فرض اهداف تعریف‌شده‌ای چون کنترل تورم، سیاست پولی در خدمت رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال، حفظ ارزش نسبی پول ملی، موازنه پرداخت‌ها و ...) (توکلیان، ۱۳۹۰ و همتی، ۱۳۹۱).
- نبود قاعده سیاست پولی مشخص در بانک مرکزی (توکلیان، ۱۳۹۰).
- انحراف سیستماتیک در عملکرد سیاست پولی در طول برنامه‌های توسعه (توکلیان، ۱۳۹۰ و همتی، ۱۳۹۱).
- عدم کارایی بسته‌های سیاستی- نظارتی(سیف، ۱۳۹۰).
- عدم استقلال بانک مرکزی (مظاهری، ۱۳۹۱، آل‌اسحاق، ۱۳۹۱ و میرمطهری، ۱۳۹۱).
- عدم توجه سیاستگذار پولی به دوران رکود و رونق (مزینی و قربانی، ۱۳۹۲).
- واکنش‌های مقطعی و آستانه‌ای دولت نسبت به تورم (مزینی و قربانی، ۱۳۹۲).
- عدم تحقق هدفگذاری تورم در طول برنامه‌های توسعه (توکلیان، ۱۳۹۰ و همتی، ۱۳۹۱).

ب) تهدیدها (T)

- وجود یک تورم ساختاری در اقتصاد ایران (مزینی و قربانی، ۱۳۹۲).
- پذیرش تورم ملایم، مزمن و ماندگار توسط سیاستگذار و مردم (همتی، ۱۳۹۱).
- تضعیف اعتبار و اثرگذاری سیاستگذار پولی در اقتصاد ایران (همتی، ۱۳۹۱).
- عدم اعتماد مردم به سیاستگذار پولی (سیف، ۱۳۹۰).
- افزایش مستمر نقدینگی (عمدتاً ناشی از افزایش پایه پولی تا ضریب تکاثری) (توکلیان، ۱۳۹۰، زمان‌زاده، ۱۳۹۰ و همتی، ۱۳۹۱).
- وجود سلطه مالی دولت در اقتصاد ایران (توکلیان، ۱۳۹۰، مظاهری، ۱۳۹۱، آل‌اسحاق، ۱۳۹۱ و میرمطهری، ۱۳۹۱).
- بالا بودن خالص بدهی دولت به بانک مرکزی (زمان‌زاده، ۱۳۹۰).
- افزایش پیوسته دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (زمان‌زاده، ۱۳۹۰).
- ماهیت مالی و بودجه‌ای بدهی‌های دولت به بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت) (زمان‌زاده، ۱۳۹۰).
- ماهیت مالی و بودجه‌ای جریان فزاینده دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت) (زمان‌زاده، ۱۳۹۰).
- تأثیر قابل توجه نوسان‌های درآمدهای نفتی بر عملکرد پولی بانک مرکزی (مزینی و قربانی، ۱۳۹۲).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

- نقش اساسی دولت در افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (ناشی از فشار دولت به سیستم بانکی در راستای اعطای تسهیلات) (زمان‌زاده، ۱۳۹۰).

ج) قوت (S)

- تعدد بانک‌های خصوصی (توکلیان، ۱۳۹۰ و برنامه پنجم توسعه).

د) فرصت‌ها (O)

- تأسیس صندوق توسعه ملی (برنامه پنجم توسعه).
- گسترش بانکداری الکترونیک (توکلیان، ۱۳۹۰).
- خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی (توکلیان، ۱۳۹۰ و برنامه سوم توسعه).

۵. تبیین وضع مطلوب سیاست‌های پولی

۵-۱. ملاحظات مربوط به وضع مطلوب

در این بخش نیز با توجه به دامنه گسترده و تبعات متعدد سیاست‌های پولی می‌توان از ابعاد مختلفی به بررسی وضع مطلوب پرداخت که به‌عنوان نمونه از دو منظر قاعده‌مندی سیاست‌ها و کارایی بسته‌های سیاستی می‌توان مطالب زیر را مطرح نمود.

اساساً زمانی که در اقتصاد بحث عدم اطمینان مطرح می‌شود محدود نمودن سیاست پولی با قواعد از پیش معین سبب می‌شود سیاستگذار نتواند در مقابل شوک‌های غیرمنتظره واکنش مناسب نشان دهد، بنابراین در چنین شرایطی نمی‌توانیم سیاست‌های صلاحدیدی را نادیده بگیریم، بنابراین به‌نظر می رسد رویکرد قواعد همراه با صلاحدید ایده قابل تأملی است. در این چارچوب قاعده پولی می‌بایست به‌عنوان یک هدایتگر در اختیار سیاستگذاران بوده و خط‌مشی کلی و جهت حرکت بلندمدت سیاست پولی را مشخص نماید، اما برای جلوگیری از انعطاف‌ناپذیری سیاست پولی در مواجهه با شوک‌های غیرمنتظره اقتصادی می‌بایست درجه‌ای از صلاحدید در اختیار سیاستگذار پولی باشد تا بتواند در مواقع بحرانی واکنش مناسب نشان دهد، بنابراین می‌توان گفت قاعده همراه با صلاحدید راهبرد مناسبی برای اجرای سیاست پولی است.

از سویی هدفگذاری تورم چارچوبی برای هدایت سیاست پولی است که در آن تصمیمات سیاستی بر اساس مقایسه تورم آتی مورد انتظار با هدف مقداری برای تورم آتی اتخاذ می گردد. بدیهی است اگر تورم مورد پیش‌بینی برای افق زمانی خاص در آینده متفاوت از هدف اعلام شده باشد سیاستگذار به اعمال سیاست پولی جدیدی اقدام می کند.

نیوزیلند پیشگام هدفگذاری تورم بود که قانون رزرو بانک نیوزیلند در سال ۱۹۸۹ و موافقتنامه هدفگذاری تورم در مارس ۱۹۹۰ شالوده سازمانی چارچوب سیاست پولی جدیدش را فراهم نمود. کانادا (۱۹۹۱)، انگلستان (۱۹۹۴)، اسپانیا (۱۹۹۸-۱۹۹۴) از دیگر اجراکنندگان اولیه سیاست هدفگذاری تورم هستند. علاوه بر این، برخی کشورهای در

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

حال توسعه نیز در فرایند کاهش تورم خود اهداف تورمی سالانه خود را (البته بدون اتخاذ سیاست هدفگذاری کامل تورم) اعلام نموده‌اند. از جمله این کشورهامی توان به شیلی (۱۹۹۱) و پرو (۱۹۹۴) اشاره نمود.

در نظام هدفگذاری تورم، تورم پایین و باثبات به‌عنوان هدف اصلی سیاست پولی به‌صورت صریح و مستقیم هدفگذاری می‌شود، گرچه اهداف دیگری مانند اشتغال کامل با نوسان‌های کم نرخ ارز نیز می‌تواند به‌عنوان هدف درجه دوم پیگیری شود. در مقابل، سایر چارچوب‌های سیاست پولی تلاش دارند تا بر تورم به‌طور غیرمستقیم از طریق هدفگذاری نرخ ارز یا کل‌های پولی تأثیر بگذارند یا تورم را (تنها) به‌عنوان یکی از اهداف سیاست پولی در نظر بگیرند. در این راستا بر اساس تجربه سیاست پولی در سایر کشورها و نیز کشورهایی که از قاعده سیاست هدفگذاری تورم استفاده نموده‌اند می‌توان نمونه‌ای از پیش‌شرط‌های لازم جهت اتخاذ سیاست هدفگذاری تورم را به شرح زیر بیان نمود:

- بانک مرکزی قادر باشد بدون هیچ مداخله سیاسی، هدف تورم را تعقیب کند و به‌عبارتی استقلال ابزار داشته باشد.
- عدم وجود تسلط مالی در اقتصاد و نیز قابلیت بازارهای مالی داخلی را در جذب بدهی دولتی و بخش خصوصی
- عدم وجود هرگونه تعهد قطعی از جانب مقامات پولی در جهت هدفگذاری سطح (مسیر زمانی) هر متغیر دیگری مانند نرخ ارز اسمی
- توجه خاص به مسائل مربوط به شفافیت، آشکارسازی، پاسخگویی و کنترل عملکرد مقامات پولی (درگاهی و آتشک، ۱۳۸۱).

در مورد وضعیت مطلوب بسته سیاستی-نظارتی بانک مرکزی در ایران با توجه به مطالعات انجام شده نیز می‌توان به‌صورت نمونه به ملاحظات زیر اشاره نمود (علیزاده، ۱۳۸۹):

- لزوم حصول به تفسیر واحد و مورد توافق تمام فعالان این عرصه در مورد نظارت بر بانک‌ها
- حداقل‌سازی ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی در نظام بانکی و ممانعت از تشدید یا سرایت این ریسک‌ها از یک بانک به بانک دیگر
- حل چالش‌های ساختاری بانکداری بدون ربا نظیر چگونگی تعیین نرخ سود مشارکت
- حداقل‌سازی روند حاکم بر سیاست‌های پولی از منظره سرکوب مالی، در حالی که در سایر حوزه‌های اقتصاد دولت گرایش به آزادسازی را دنبال می‌نماید.
- تعیین تکلیف مواردی چون دسترسی دولت به منابع مؤسسات اعتباری و بانک مرکزی و استفاده از خطوط اعتباری توسط دولت و مؤسسات اعتباری (ارشدی، ۱۳۹۱).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

۵-۲. وضع مطلوب (To Be) سیاست‌های پولی

با توجه به مطالب فوق و نیز مطالعات کتابخانه‌ای می‌توان وضع مطلوب برای کارامدسازی سیاست پولی در اقتصاد ایران را (به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت) به شرح زیر برشمرد:

الف) کوتاه‌مدت

- به حداقل‌رسانی سیاست‌های تثبیتی در متغیرهای کلیدی (نرخ ارز اسمی) (یدالله‌زاده و برادران شرکا، ۱۳۹۰ و تیلور، ۲۰۰۰).
- هماهنگی نسبی سیاست‌های پولی با سیاست‌های ارزی، مالی و اعتباری در جهت افزایش اثرگذاری سیاست پولی (ختایی و سیفی‌پور، ۱۳۸۵).
- تنوع‌بخشی به ابزارهای سیاست پولی
- تأکید بیشتر بر سیاست پولی مبتنی بر قاعده نه مصلحت (تیلور، ۲۰۰۰).
- بهره‌گیری از ابزارهای اسلامی در مدیریت بازار پول (همتی، ۱۳۸۹).
- باز تعریف اولویت (وظیفه) اصلی بانک مرکزی و پایبندی به تبعات آن (حصارزاده، ۱۳۹۱).
- منطقی‌سازی انتظارت عاملین اقتصادی در ارتباط با نقش بازار پول در تأمین مالی اقتصاد (حصارزاده، ۱۳۹۱).
- بسترسازی جهت خرید و فروش اوراق مشارکت به‌عنوان ابزار سیاست پولی
- کارامدسازی عملکرد صندوق توسعه ملی (از منظر تبعات آن بر بازار پول) (مزینی و قربانی، ۱۳۹۲).

ب) بلندمدت

- افزایش استقلال بانک مرکزی به‌ویژه در انتخاب ابزارهای سیاستگذاری (مظاهری، ۱۳۹۱، آل‌اسحاق، ۱۳۹۱ و میرمطهری، ۱۳۹۱).
- افزایش شفافیت بانک مرکزی در اجرا و عملیاتی نمودن سیاست‌های پولی (مظاهری، ۱۳۹۱، آل‌اسحاق، ۱۳۹۱، میرمطهری، ۱۳۹۱ و حصارزاده، ۱۳۹۱).
- هدفگذاری نرخ تورم و پایبندی به آن (درگاهی و آتشک، ۱۳۸۱، ختایی و سیفی‌پور، ۱۳۸۵، یدالله زاده و برادران شرکا، ۱۳۹۰ و میشکین، ۲۰۱۰).
- مدیریت و کنترل انتظارات تورمی (درگاهی و آتشک، ۱۳۸۱، ختایی و سیفی‌پور، ۱۳۸۵، یدالله زاده و برادران شرکا، ۱۳۹۰ و میشکین، ۲۰۱۰).
- دستیابی به قاعده پولی مطابق با ادوار تجاری در اقتصاد ملی (تیلور، ۲۰۰۰).
- کاهش سهم دولت در بازار پول (حصارزاده، ۱۳۹۱).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

۶. تحلیل ماتریس SWOT

در ادامه جهت تبیین چشم‌انداز و تهیه و تدوین برنامه عملیاتی با استفاده از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های استخراج شده به اجرای تکنیک SWOT پرداخته و استراتژی‌های پیشنهادی استخراج می گردند. همانگونه که پیش از این مشاهده گردید در بخش‌های پیشین به آسیب‌شناسی وضع موجود (بخش ۲) و بررسی وضع مطلوب (بخش ۳) پرداخته شد. در این بخش با توجه به یافته‌های ۲ بخش قبلی و با استفاده از تحلیل SWOT به استخراج استراتژی‌های عملیاتی برای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب پرداخته تا مبنای تدوین نقشه راه قرار گیرد. نتایج در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. استخراج نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌ها برای مدیریت سیاست پولی در اقتصاد ایران

ماتریس SWOT برای مدیریت بهینه سیاست پولی در اقتصاد ایران	قوت‌ها (S): - تعدد بانک‌های خصوصی	ضعف‌ها (W): ۱) بلاتکلیفی بانک مرکزی در پیگیری اولویت (هدف) اصلی خود در سیاستگذار؛ ۲) نبود قاعده سیاست پولی مشخص در بانک مرکزی؛ ۳) انحراف سیستماتیک در عملکرد سیاست پولی در طول برنامه‌های توسعه؛ ۴) عدم کارایی بسته‌های سیاستی –نظارتی؛ ۵) نداشتن استقلال بانک مرکزی؛ ۶) عدم توجه سیاستگذار پولی به دوران رکود و رونق؛ ۷) واکنش‌های مقطعی و آستانه‌ای دولت نسبت به تورم؛ ۸) عدم تحقق هدفگذاری تورم در طول برنامه‌های پنج ساله اول تا چهارم توسعه.
فرصت‌ها (O): - تأسیس صندوق توسعه ملی؛ - گسترش بانکداری الکترونیک؛ -خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی؛	S.O: - پرهیز از استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در راستای تأمین مالی دولت (ک)	W.O: ۱-افزایش کارایی بسته‌های سیاستی ؛ ۲- نظارتی با تأکید بر بانکداری الکترونیکی (ک)؛ ۳-ایجاد سازوکار مناسب برای انتشار اوراق مشارکت به عنوان ابزار سیاست پولی (ک)؛ ۴- تنوع‌بخشی و ارتقای کارایی سیاست‌های بانک مرکزی (ب)
تهدیدها (T): ۱. وجود یک تورم ساختاری در اقتصاد ایران ؛ ۲. پذیرش تورم ملایم، مزمن و ماندگار توسط سیاستگذار و مردم؛ ۳. تضعیف اعتبار و اثرگذاری سیاستگذار پولی در اقتصاد ایران؛ ۴. عدم اعتماد مردم به سیاستگذار پولی؛ ۵. افزایش مستمر نقدینگی؛ ۶. وجود سلطه مالی دولت در اقتصاد ایران؛ ۷. افزایش خالص بدهی دولت به بانک مرکزی؛ ۸ افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی؛ ۹. ماهیت مالی و بودجه‌ای بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و جریان فزاینده دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت)؛ ۱۰. تأثیر قابل‌توجه نوسان‌های درآمدهای نفتی بر عملکرد پولی بانک مرکزی؛ ۱۱. نقش اساسی دولت در افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی.	S.T: - افزایش استقلال نسبی بانک مرکزی (ب)؛ -کاهش سیاست‌های تکلیفی و اجباری (ب)	W.T: ۱-هماهنگی سیاست‌های ارزی در راستای هدفگذاری تورم؛ ۲-اعمال سیاست پولی مناسب با دوران رکود و رونق (ب) ؛ ۳-استفاده از ابزارهای مالی اسلامی برای تنوع‌بخشی ابزارهای سیاست پولی (ک)؛ ۴-هماهنگی سیاست‌های ارزی، پولی و مالی (ب)؛ ۵-کاهش انتظارات تورمی مردم و سیاستگذار پولی (ب)؛ ۶-ایجاد ثبات در رشد پایه پولی (ب)؛ ۷-کاهش سهم پایه پولی در افزایش نقدینگی (ب)؛ ۸-اتخاذ سیاست کنترل تورم و ثبات مالی به‌عنوان اولویت اصلی بانک مرکزی (ب).

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

۷. تحلیل شکاف و نقشه راه

پس از استخراج استراتژی‌ها به روش تحلیل (ماتریس) SWOT در ادامه کار تلاش می‌شود تحلیل شکاف صورت گیرد. به‌طور کلی، می‌توان تحلیل شکاف را بررسی فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب جهت دستیابی به راهکارهایی جهت حصول به وضع مطلوب دانست، به این معنا که پس از شناسایی وضعیت موجود در قالب معیارها و شاخص‌های مشخص به شناسایی و تعریف وضع مطلوب پرداخته شده، سپس نحوه دستیابی به آن و کاهش فاصله موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله بعد نتایج حاصل از تحلیل SWOT و نیز یافته‌های حاصل از مطالعات تطبیقی و نظر خبرگان در قالب نقشه راه سیاست‌های پولی به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت در قالب جدول (۴) استخراج گردیده اند.

جدول ۴. چارچوب کلی برای گذار از وضع موجود به مطلوب مدیریت سیاست پولی در اقتصاد ایران

وضع موجود	استراتژی‌ها		راهکارهای عملیاتی		وضع مطلوب	
	کوتاه‌مدت	بلندمدت	کوتاه‌مدت	بلندمدت	کوتاه‌مدت	بلندمدت
- بلاتکلیفی بانک مرکزی در پیگیری اولویت (هدف) اصلی خود در سیاستگذار؛ - نبود قاعده سیاست پولی مشخص در بانک مرکزی - انحراف سیستماتیک در عملکرد سیاست پولی در طول برنامه‌های توسعه - عدم توجه سیاستگذار پولی به دوران رکود و رونق - واکنش‌های مقطعی و آستانه‌ای دولت نسبت به تورم - عدم تحقق هدفگذاری تورم در طول برنامه‌های پنج ساله اول تا چهارم توسعه - وجود یک تورم ساختاری در اقتصاد ایران - وجود سلطه مالی دولت در اقتصاد ایران؛ -نداشتن	- استفاده از ابزارهای مالی اسلامی برای تنوع‌بخشی ابزارهای سیاست پولی. - پرهیز از استفاده از منابع	- هماهنگی سیاست‌های ارزی در راستای هدفگذاری تورم - اعمال سیاست پولی مناسب با دوران رکود و رونق - تنوع‌بخشی و ارتقای کارایی سیاست‌های بانک مرکزی - اتخاذ سیاست کنترل تورم (و ثبات مالی) به‌عنوان اولویت اصلی بانک مرکزی - کاهش سیاست‌های	- پیش‌بینی و هدف‌گذاری تورم توسط بانک مرکزی. - افزایش حساسیت بانک مرکزی به تورم (کاهش آستانه حساسیت بانک مرکزی به تورم). - تعدیل نگاه بودجه‌ای دولت به بانک مرکزی. - مدیریت بهینه منابع صندوق	- تعیین تکلیف نقش بانک مرکزی در اقتصاد ملی (ترجیحاً کنترل تورم و ثبات مالی) - افزایش آزادی عمل بانک مرکزی در سیاست - اجرای سیاست هدفگذاری تورم. - تعریف و دستیابی به قاعده سیاست پولی در کشور - انضباط پولی و مالی دولت. - افزایش کارایی سیاست‌های پولی (به عنوان تابعی از شرایط اقتصادی) - کاهش تدریجی اتکا بودجه‌ای دولت	-منطقی‌سازی انتظارت عاملین اقتصادی در ارتباط با نقش بازار پول در تأمین مالی اقتصاد -هماهنگی نسبی سیاست‌های پولی باسیاست‌های ارزی، مالی و اعتباری در جهت افزایش اثرگذاری سیاست پولی -بهره‌گیری از ابزارهای اسلامی در مدیریت بازار پول -به حداقل‌رسانی سیاست‌های تثبیتی در متغیرهای کلیدی (نرخ ارز اسمی) -تنوع‌بخشی به ابزارهای پولی -تاکید بیشتر بر سیاست پولی مبتنی بر قاعده و نه مصلحت - کارامدسازی عملکرد صندوق	-هدفگذاری نرخ تورم و پایبندی به آن - دستیابی به قاعده پولی مطابق با ادوار تجاری در اقتصاد ملی -افزایش استقلال بانک مرکزی،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

وضع موجود	استراتژی‌ها		راهکارهای عملیاتی		وضع مطلوب	
	کوتاه‌مدت	بلندمدت	کوتاه‌مدت	بلندمدت	کوتاه‌مدت	بلندمدت
استقلال بانک مرکزی - تأثیر قابل توجه نوسانات درآمدهای نفتی بر عملکرد پولی بانک مرکزی	صندوق توسعه ملی در راستای تأمین مالی دولت	تکلیفی و اجباری	توسعه ملی - تعدیل نگاه بودجه‌ای دولت به بانک مرکزی.	بر سیستم بانکی و بانک مرکزی -افزایش آزادی عمل بانک مرکزی درسیاستگذاری‌ها	توسعه ملی (از منظر تبعات آن بر بازار پول)	بهویژه‌در انتخاب ابزارهای سیاستگذاری -کاهش سهم دولت‌در بازار پول
- تضعیف اعتبار و اثرگذاری سیاستگذار پولی در اقتصاد ایران - عدم اعتماد مردم به سیاستگذار پولی		- افزایش استقلال نسبی بانک مرکزی - هماهنگی سیاست‌های ارزی، پولی و مالی	- افزایش شفافیت عملیاتی بانک مرکزی - افزایش پاسخگویی بانک مرکزی	- افزایش استقلال بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی در مقابل سیاست‌های بودجه‌ای و ارزی دولت. و		- افزایش شفافیت بانک مرکزی در اجرا و عملیاتی کردن سیاست‌های پولی
- پذیرش تورم ملایم، مزمن و ماندگار توسط سیاستگذار و مردم		- کاهش انتظارات تورمی مردم و سیاستگذار پولی	- افزایش حساسیت بانک مرکزی به تورم	- حرکت به طرف تعدیل انتظارات تورمی مردم و ثبات بخشی به آن		- مدیریت و کنترل انتظارات تورمی
-عدم کارایی بسته‌های سیاستی -نظارتی	-افزایش کارایی بسته‌های سیاستی و نظارتی با تأکید بر بانکداری الکترونیکی -ایجاد سازوکار مناسب برای انتشار و معامله اوراق مشارکت به‌عنوان ابزار سیاست پولی		- تأکید بر بانکداری الکترونیکی برای افزایش کارایی بسته‌های سیاستی و نظارتی	- ایجاد بازار ثانویه برای خرید و فروش اوراق مشارکت - به حداقل‌رسانی نیازهای مالی دولت در سیاست‌های اعتباری - باز تعریف الزامات توسعه‌ای مورد نیاز در تدوین بسته‌های سیاستی.	- بسترسازی جهت خرید و فروش اوراق مشارکت به عنوان ابزار سیاست پولی - باز تعریف نقش وظایف بانک مرکزی در اقتصاد ایران در راستای تجارب کشورهای منتخب	
-افزایش خالص بدهی دولت به بانک مرکزی - افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی؛ -افزایش مستمر نقدینگی؛ -ماهیت مالی و بودجه‌ای بدهی‌های دولت به بانک مرکزی و جریان فزاینده دارایی‌های خارجی بانک مرکزی؛ -نقش اساسی دولت در افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی؛		- ایجاد ثبات در رشد پایه پولی - کاهش سهم پایه پولی در افزایش نقدینگی	- کاهش تدریجی اتکا بودجه‌ای دولت بر سیستم بانکی و بانک مرکزی. - کاهش تدریجی استقراض از سیستم بانکی.	- انضباط پولی و مالی دولت - عدم استفاده از منابع بانکی در هزینه‌های جاری دولت - استقلال سیاست‌های پولی نسبت به سیاست‌های مالی- بودجه‌ای دولت و نیز سیاست‌های ارزی.	- افزایش سهم نسبی سیستم بانکی (ضریب تکاثری) در خلق نقدینگی	انظباط پولی و مالی دولت

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

۸. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادهای سیاستی

با بررسی وضع موجود و وضع مطلوب سیاست پولی در اقتصاد ایران در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اینگونه بیان نمود که مدیریت سیاست پولی در اقتصاد ایران نیازمند اصلاحات ساختاری فراگیر (در قالب یک نقشه راه) می‌باشد. در این رابطه مهم‌ترین استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی به تفکیک موضوعات بررسی شده و نیز در رابطه با قاعده‌مندی سیاست‌های پولی به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت به شرح زیر می‌باشند:

الف) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای قاعده‌مندی سیاست پولی در اقتصاد ایران در کوتاه‌مدت

- پیش‌بینی و هدفگذاری تورم توسط بانک مرکزی
- افزایش حساسیت بانک مرکزی به تورم (کاهش آستانه حساسیت بانک مرکزی به تورم)
- تعدیل نگاه بودجه‌ای دولت به بانک مرکزی

ب) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای قاعده‌مندی سیاست پولی در اقتصاد ایران در بلندمدت

- تعیین تکلیف نقش بانک مرکزی در اقتصاد ملی (ترجیحاً کنترل تورم و ثبات مالی)
- افزایش آزادی عمل بانک مرکزی در سیاست
- اجرای سیاست هدفگذاری تورم
- تعریف و دستیابی به قاعده سیاست پولی در کشور (به‌ویژه با تأکید بر سیکل‌های اقتصادی تا سیاسی)
- افزایش کارایی سیاست‌های پولی (به‌عنوان تابعی از شرایط اقتصادی)

در رابطه با کاهش سلطه مالی حاکم بر اقتصاد ایران و افزایش نسبی استقلال بانک مرکزی به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای کاهش سلطه مالی و افزایش نسبی استقلال بانک مرکزی در کوتاه‌مدت

- مدیریت بهینه منابع صندوق توسعه ملی
- تعدیل نگاه بودجه‌ای دولت به بانک مرکزی

ب) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای کاهش سلطه مالی و افزایش نسبی استقلال بانک مرکزی در بلندمدت

- کاهش تدریجی اتکای بودجه‌ای دولت بر سیستم بانکی و بانک مرکزی
- افزایش آزادی عمل بانک مرکزی در سیاستگذاری‌ها

در رابطه با افزایش کارایی بسته‌های سیاستی-نظارتی به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای افزایش کارایی بسته‌های سیاستی -نظارتی بانک مرکزی در کوتاه‌مدت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

- تأکید بر بانکداری الکترونیکی برای افزایش کارایی بسته‌های سیاستی و نظارتی

ب) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای افزایش کارایی بسته‌های سیاستی- نظارتی بانک مرکزی در بلندمدت

- ایجاد بازار ثانویه برای خرید و فروش اوراق مشارکت

- به حداقل رسانی نیازهای مالی دولت در سیاست‌های اعتباری

- باز تعریف الزامات توسعه‌ای مورد نیاز در تدوین بسته‌های سیاستی

در رابطه با کاهش نقش دولت در ناکارایی سیاست‌های پولی به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای کاهش نقش دولت در ناکارایی سیاست پولی در کوتاه‌مدت

- کاهش تدریجی اتکای بودجه‌ای دولت بر سیستم بانکی و بانک مرکزی

- کاهش تدریجی استقراض از سیستم بانکی

ب) راهکارها و برنامه‌های عملیاتی برای کاهش نقش دولت در ناکارایی سیاست پولی در بلندمدت

- انضباط پولی و مالی دولت

- استقلال سیاست‌های پولی نسبت به سیاست‌های مالی- بودجه‌ای دولت و نیز سیاست‌های ارزی

منابع

آل‌اسحاق، یحیی (۱۳۹۱)، "راهی جز استقلال واقتدار بانک مرکزی نیست"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۵.

ارشدی، علی (۱۳۹۱)، " ارزیابی بسته‌های سیاستی نظارتی بانک مرکزی"، *فصلنامه تازه‌های اقتصادی*، شماره ۱۳۶.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

توکلیان، حسین (۱۳۹۰)، "عملکرد سیاست پولی در ایران طی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۵۱)"، *فصلنامه تازه‌های اقتصادی*، شماره ۱۳۲، سال ۹.

جداول کمی قانون برنامه‌های اول تا چهارم و آمارهای بانک مرکزی.

حصارزاده، رضا (۱۳۹۱)، "اثر شفافیت بر کنش‌های اقتصادی؛ شفافیت بیشتر سیاستگذاری پولی چه اثری بر فعالیت‌های اقتصادی دارد؟"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۵.

ختایی، محمود و رؤیا سیفی‌پور (۱۳۸۵)، "ابزارها و قواعد سناخته‌شده سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران: مطالعه موردی برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۳، صص ۲۶۷-۲۳۳.

خرسندی، مرتضی و کریم اسلام‌لوییان (۱۳۹۱)، "سیاست پولی قاعده‌مند یا صلاحدیدی؟ تحلیلی نظری در انتخاب راهبرد مناسب"، *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، سال اول، شماره اول.

درگاهی، حسن و احمد آتشک (۱۳۸۱)، "هدفگذاری تورم در اقتصاد ایران: پیش‌شرط‌ها و تبیین ابزارهای سیاستی"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۰، صص ۱۴۷-۱۱۹.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

درگاهی، حسن و رؤیا شربت‌اوغلی (۱۳۸۹)، "تعیین قاعده سیاست پولی در شرایط تورم پایدار اقتصاد ایران با استفاده از روش کنترل بهینه".
زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۰)، "ارزیابی متغیرهای پولی"، *فصلنامه تازه‌های اقتصادی*، شماره ۱۳۳.
سیف، ولی‌اله (۱۳۹۰)، "ارزیابی سیاست پولی در اقتصاد ایران"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۱.
شاهمرادی، اصغر و مهدی صارم (۱۳۹۲)، "سیاست پولی بهینه و هدفگذاری تورم در ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۴۲-۲۵.
شریفی‌رنانی، حسین، هنرور، نغمه، دایی‌کریم‌زاده، سعید و فرزانه امرالهی پورشیرازی (۱۳۹۰)، "بررسی اثرات سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی از طریق کانال وام‌دهی سیستم بانکی در ایران"، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال ۳، شماره ۴، پیاپی ۱۰، صص ۴۸-۲۷.
علیزاده، لیلا (۱۳۸۹)، "تحولات اخیر در بانکداری مرکزی"، *فصلنامه تازه‌های اقتصادی*، شماره ۱۲۹.
فرازمند، حسن، قربان‌نژاد، مجتبی و عبدالله پورجوان (۱۳۹۲)، "تعیین قواعد سیاست پولی و مالی بهینه در اقتصاد ایران"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۲۱، شماره ۶۷، صص ۸۸-۶۹.
فرزین‌وش، اسدالله، احسانی، محمدعلی، جعفری صمیمی، احمد و ذبیح‌الله غلامی (۱۳۹۱)، "بررسی آثار نامتقارن سیاست‌های پولی بر تولید در اقتصاد ایران"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۲۰، شماره ۶۱، صص ۲۸-۵.
مزینی، امیرحسین (۱۳۸۵)، "اثر شوک‌های پولی بر متغیرهای اسمی و واقعی اقتصاد"، *فصلنامه اقتصادی*، جلد ۲، شماره ۱، صص ۱۰۰-۸۳.
مزینی، امیرحسین و سعید قربانی (۱۳۹۲)، "نقشه راه مدیریت بهینه درآمدهای نفتی"، اولین همایش ملی نفت و توسعه اقتصادی، مرکز مطالعات نفت و توسعه اقتصادی.
مصلحی، فریبا (۱۳۸۵)، "تأثیر سیاست‌های پولی در اقتصاد ایران (۱۳۸۳-۱۳۳۸)"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۱۳۳-۱۵۱.
مظاهری، طهماسب (۱۳۹۱)، "استقلال سیاست پولی حفظ شود"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۵.
میرمطهری، احمد (۱۳۹۱)، "آیا بانک مرکزی ایران استقلال دارد؟"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۵.
میشکین، فردریک اس (۲۰۱۰)، *اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی*، ترجمه و تألیف حسین قضاوی، ناشر مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
همتی، مریم (۱۳۸۹)، "ابزارهای سیاست پولی مبتنی بر نرخ بهره در مقایسه با ابزارهای سیاست پولی غیربوی"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، سال ۹، شماره ۱۳۲.
همتی، مریم (۱۳۹۱)، "ارزیابی عملکرد سیاست پولی در ایران"، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۶.
یدالله‌زاده طبری، ناصرعلی و حمیدرضا برادران شرکا (۱۳۹۰)، "اثر هدفگذاری تورم بر عملکرد اقتصاد کلان: تورم و رشد تولید"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۹۵، صص ۲۷۲-۲۴۳.
Asso, F., Khan, G. & R. Lesson (2007), "Monetary Policy Rules: From Adam Smith to Jahn Taylor", Taylor Rule Conference, Dallas Fed, October.
Carlson, J. B. (1988), "Rules Versus Discretion: Making a Monetary Rule Operational", FederalReserveBankofClevend, htto://clevendfed.org/research/review/.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]

Carvalho C. & F. Nechio (2014), "Do People Understand Monetary Policy?", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 66, PP. 108-123.
Cevik E. I., Dibooglu, S. & A. M. Kutan (2014), "Monetary and Fiscal Policy Interactions: Evidence from Emerging European Economies", *Journal of Comparative Economics*.
Friedman, M. (1959), "A Program for Monetary Stability", New York: Fordham University Press.
Kydland, F. & E. Prescott (1977), "Rules Rather Than Discretion: The Inconsistency of Optimal Plans", *Journal of Political Economy*, Vol. 85, PP. 473-490.
Naraidoo, R. & L. Raputsoane (2011), "Optimal Monetary Policy Reaction Function in a Model with Target Zones and Asymmetric Preferences for South Africa", *Economic Modelling*, Vol. 28, PP. 251-258.
Plante, M. (2014), "How Should Monetary Policy Respond to Changes in the Relative Price of Oil? Considering Supply and Demand Shocks", *Journal of Economic Dynamics & Control*, Vol. 44, PP. 1-19.
Taylore, J. B. (2000), "Using Monetary Policy Rules in Emerging Market Economies", Stanford University, December.
Thornton, D. L. (2014), "Monetary Policy: Why Money Matters (and Interest Rates don't)", *Journal of Macroeconomics*, Vol. 40, PP. 202-213.
Volkart, D. (2007), "Rules, Discretion or Reputation? Mobetary Policy and the Efficiency of Financial Markets in Germany", 14th to 16th Centuries, SBS 649, Discussion Papers, No. 007.
Xiong, W. (2012), "Measuring the Monetary Policy Stance of the People's Bank of China: An Ordered Probit Analysis", *China Economic Review*, Vol. 23, PP. 512-533.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-10-07]